ادامه از صفحه ۵

نگاه علم اقتصاد به تشکل‌های کارفرمایی

از نظر گریف این شبکه اجتماعی چند کارکرد مهم داشت؛ اولاً قدرت پادشاهان را تا حدود زیادی مهار می‌کرد و ثانیاً با انتقال اطلاعات در درون شبکه در شفاف شدن بازارها و جلوگیری از رفتارهای فرصت‌طلبانه بسیار مهم بود.

به طور مثال هر پادشاهی که اموال یکی از تجار را مصادره می‌کرد، تجار شهرهای مختلف به صورت یکپارچه واکنش نشان می‌دادند و معامله با آن منطقه را تحریم می‌کردند. تحریم‌های مختلف توسط اتاق‌های بازرگانی در اروپا به ثبت رسیده است. به طور مثال حاکم تبریز در قرن ۱۲، اموال یک تاجر ونیزی را مصادره کرد و اتاق‌های بازرگانی شهرهای اروپایی در پاسخ به این اتفاق، تجارت با تبریز را تا ۱۰۰ سال تحریم کردند. این واکنش منسجم و یکپارچه اتاق‌های بازرگانی که در عموم شهرهای اروپا به وجود آمده بود، در تغییر و تعدیل حاکمان سیاسی اروپا نقش بسیار مهمی داشته است.

علاوه بر تقابل اتاق‌های بازرگانی با پادشاهان در اروپا، اتاق‌های بازرگانی کارکردهای مثبت دیگری داشته‌اند. از جمله آنکه دادگاه‌های تجاری توسط تجار راه‌اندازی می‌شد یا اینکه از طریق انتقال اطلاعات به یکدیگر، تجار در شفاف‌سازی بازارها نقش بسیار مثبتی داشتند. به این شکل اگر کسی به یکی از بازرگانان خیانت می‌کرد مثلاً مفاد قرارداد را رعایت نمی‌کرد، اتاق بازرگانی نام این فرد را به سایر اتاق‌ها اعلام می‌کرد. به این ترتیب امکان فرصت‌طلبی یا کلاهبرداری تقلیل می‌یافت.

یکی دیگر از کارکردهای مثبت تشکل‌های کارفرمایی، استاندارد کردن کالاها قبل از انقلاب صنعتی بود. اتاق بازرگانی هر شهرستانی کیفیت کالا را تایید و به خریداران اطمینان می‌داد که کالا از کیفیت اعلام‌شده برخوردار است.

نقش‌های مثبتی در مورد اتاق‌های بازرگانی توسط اقتصاددان‌ها جمع‌آوری و طبقه‌بندی شده است. از نظر اقتصاددانان نهادگرا آنها در شرایط کنونی نیز می‌توانند بسیاری از کارکردهای پیشین را داشته باشند. پیتر اونز جامعه‌شناس اقتصادی مطالعات مهمی در این زمینه داشته است. او با ارائه تجارب مختلف در دنیای معاصر نشان داده است کشورهایی به توسعه دست می‌یابند که دولت‌های آنان از دو ویژگی برخوردار باشند: از یک سو وابسته به جامعه مدنی به ویژه تشکل‌های کارفرمایی باشند و از سوی دیگر منافع همه گروه‌ها را نمایندگی کنند؛ یعنی در ضمن ارتباط تنگاتنگ با تشکل‌ها اسیر آنها نباشند. تشکل‌های کارفرمایی در دنیای حاضر فرصت‌های اقتصادی را شناسایی می‌کنند، خلأهای بازار را جبران و دولت را به فعالیت‌های صحیح مانند تقویت حقوق مالکیت سوق می‌دهند.

در ضمن این کارکردهای فوق‌العاده مثبت و تعیین‌کننده تشکل‌های کارفرمایی همان طور که

اقتصاددانان نئوکلاسیک می‌گویند کارکردهای منفی هم دارند. از نظر این اقتصاددانان تشکل‌هایی مانند اتاق بازرگانی نه لزوماً مخرب و نه قطعاً مولد هستند. بسته به شرایط و ویژگی‌های محیطی و درونی، نقش مثبت تشکل‌ها می‌تواند بیشتر یا کمتر از نقش منفی باشد. به عبارت دیگر مهم‌ترین مساله درباره تشکل‌ها کنترل نقش‌های منفی آنها و هدایت به فعالیت مولد است. این مساله، مساله اصلی اقتصاددانان نهادگرا در حوزه تشکل‌های اقتصادی از جمله تشکل‌های کارفرمایی است.

نقش‌های مثبت و منفی تشکل‌های کارفرمایی در ایران

تحقیقات چندانی در ایران در این مورد صورت نگرفته است. در این زمینه که نقش‌های مثبت و منفی تشکل‌ها در اقتصاد ایران چیست یا اینکه آیا نقش مثبت آن بیشتر است یا نقش منفی آن، هنوز تحقیقاتی انجام نشده است. در ایران یک مساله در مورد تشکل‌های کارفرمایی - که به درستی بسیار بزرگ شده‌اند - حضور دولت در تشکل‌های کارفرمایی و عدم استقلال آنها از حکومت است.

در این زمینه تحقیقات «احمد اشرف» نشان داده است دولت همواره این تشکل‌ها را برای اعمال خواسته‌های خود به وجود آورده یا آنها را پس از پیدایش، تحت انقیاد قرار داده است. به همین دلیل «احمد اشرف» و کسانی که به نظریه او اعتقاد دارند، معتقدند تشکل‌های کارفرمایی نمی‌توانند نقشی را که تشکل‌های آزاد در اروپا داشتند، ایفا کنند. در واقع نمایندگی از منافع اعضا و کنترل رفتار دولت‌ها در صورتی امکان‌پذیر است که این تشکل‌ها از آزادی عمل برخوردار باشند. به دلیل عدم آزادی، این تشکل‌ها نه‌تنها منافع کارفرمایان را نمایندگی نمی‌کنند بلکه ابزار سلطه حکومت بر صاحبان کسب و کار محسوب می‌شوند. در مقابل این نظریه که بدون تردید بخشی از واقعیت تاریخ تشکل‌های کارفرمایی است، این نظریه قابل طرح است که تشکل‌ها نه‌تنها به دلیل حضور دولت بلکه به دلایل درونی و ویژگی رفتاری خود صاحبان کسب و کار از تاثیرگذاری و ایفای نقش‌های مثبت ناتوان بوده‌اند.

تشکل‌های کارفرمایی برای اعمال نقش مثبت باید از مشارکت فعال اعضا بهره‌مند باشند. باید ساختار درونی آنها منضبط و قانونمند باشد. عدم شفافیت و عدم حاکمیت قانون در درون تشکل‌های کارفرمایی ایران که در چند مطالعه مستند شده است، بیانگر آن است که تشکل‌های کارفرمایی ایران نه به دلیل حضور و تسلط دولت بلکه به دلیل اخلاقیات و ویژگی‌های فرهنگی دچار آسیب‌های جدی در درون هستند.

* نماینده سابق مجلس

بازخوانی پرونده انتخابات اتاق از نگاه رئیس سابق اتاق تهران

عکس: عباس کوثری

حدود ۹ ماه تا انتخابات هیات نمایندگان اتاق ایران باقی است و معلوم نیست آرایش جدید فعالان اقتصادی این بار حول چه فرد یا افرادی شکل خواهد گرفت. البته اظهار نظر درباره انتخابات آتی بزرگ‌ترین تشکل خصوصی قدری زودهنگام است اما احتمال چینش نیروهای جدید از حالا بعید نیست. طیف موسوم به سنتی‌ها انگار در کنار محمد آقانهاوندیان باقی می‌ماند و تحول‌خواهان نیز به رغم پاره‌ای انتقادات به رئیس فعلی با او هم‌راستا هستند و کاندیدای جدیدی هنوز در سر ندارند. هیات‌رئیسه فعلی نیز جسته گریخته از انتخابات پیش رو صحبت می‌کند اما هیچ کدام موضع‌گیری خاصی نداشته‌اند. در چنین فضایی که تب و تاب انتخابات هنوز به جان فعالان اقتصادی نیفتاده بهتر دیدیم نظر رئیس سابق اتاق تهران را که به ناچار از گردونه رقابت‌ها خارج شد در رابطه با پشت‌پرده انتخابات قبلی اتاق جویا شویم؛ انتخاباتی که به ریاست ۲۷ساله علینقی خاموشی پایان داد و سرآغازی برای مدیریت نهاوندیان شد. محمدرضا بهزادیان با بازگویی اتفاقات آن دوران، ائتلاف تحول‌خواهان با نهاوندیان را رد کرده و از توافقات نانوشته با شجاع‌الدین بازرگانی معاون وزیر بازرگانی وقت می‌گوید. او که از ابطال کارت بازرگانی‌اش دل پری دارد با باز کردن وقایع آن دوران به ریاست فعلی نهاوندیان می‌رسد و مدیریت فعلی اتاق را به باد انتقاد می‌گیرد.

-اگر موافق باشید از خودتان بپرسم. بعد از ماجراهایی که در اتاق تهران پیش آمد شما در کجا مشغول به فعالیت شدید؟

من همیشه یک فعال بخش خصوصی بوده‌ام و در بخش صنعت و تجارت فعالیت می‌کردم و در موضعی هم که در این چند ساله بودم همیشه به اعضای اتاق بازرگانی و دوستانم علاقه داشتم و مشورت می‌دادم؛ حتی در حل مشکلات بخش خصوصی از موضع یک شهروند عادی و یک دست‌اندرکار اقتصادی تا حد توانم پلی شده‌ام بین آنها و دولت تا بتوانم مشکلی را حل کنم.

-طبیعتاً اتاق تهران با این دفتر کار خیلی متفاوت بوده است.

چرا؟ [می‌خندد]

-به هر حال آنجا فرصت مدیریت کارها در سطح کلان‌تری وجود داشته اما اینجا...

من از لطف شما ممنونم، ولی واقعیت این است که اگر به نظام چرخش مدیریت معتقد باشیم ایجاب می‌کند که تغییر را بپذیریم. البته تغییر مبتنی بر رای مردم. البته آنچه مهم است این است که در زمانی که فرصت داریم تلاش کنیم و بنیانی بگذاریم که الگو شود و در ذهن‌ها ماندگار؛ مثل آنچه در اتاق تهران شد.

-اگر اجازه دهید سوالم را با حضور آقای نهاوندیان در انتخابات اتاق بازرگانی و حمایت تحول‌خواهان از او آغاز کنم. چطور شد که از آقای نهاوندیان حمایت کردید؟

با توجه به فاصله زیادی که تا انتخابات اتاق باقی‌مانده، فکر می‌کنم طرح چنین سوالاتی خیلی زودهنگام است اما با این حال باید بگویم انتخابات دوره ماقبل اتاق بازرگانی در سال ۸۲ (دوره پنجم) ویژگی خاص خودش را داشت. من مراحل کاری تشکیل گروه تحول‌طلبان و عملکرد ایشان را به سه بخش تقسیم می‌کنم. توجه به این نکته ضروری است که گروهی که در مدیریت اتاق حضور داشتند کسانی بودند که هیچ فکر و نظری را جز نظر و رای خودشان قبول نداشتند و اصولاً هیچ مخالف و رقیبی را نمی‌پذیرفتند.

تحول‌طلبان در چنین شرایطی در پنجمین دوره انتخابات اتاق شرکت کردند. تحول‌طلبان مرحله اول خودشان را در آستانه انتخابات و بعد در انتخابات، سپس در عرصه عضویت در اتاق بازرگانی و بعد در عرصه مدیریت اتاق تهران و ایران بر کسانی که اتاق بازرگانی را سال‌ها در اختیار خودشان می‌دیدند، تحمیل کردند. آنها به‌رغم آنکه به دنبال حفظ جایگاه خودشان بودند، ناچار شدند آهسته‌آهسته ما را بپذیرند. در مرحله دوم آنها سعی کردند با روش‌های کاملاً غیرقانونی همراه جوسازی مدیریت اتاق تهران را حذف کنند و به نوعی تحول‌طلبان را از عرصه حضور در انتخابات اتاق بازرگانی کنار بگذارند.

-آیا این گروه همان هیات‌رئیسه بودند؟

بله، منظورم همان مدیریت راکد ۳۰ ساله بر اتاق تهران و ایران بود که در هیات‌رئیسه جای داشتند. آنها در انتخابات دور ششم که توان مدیریت، استعداد، هوش و حضور و حمایت دست‌اندرکاران اقتصاد را از تحول‌طلبان تجربه کرده بودند پیش از انتخابات سعی کردند رقیب را از عرصه انتخابات حذف کنند و به همین منظور ۲۷ نفر از تحول‌طلبان را ردصلاحیت کردند تا از حضور آنها در انتخابات جلوگیری کنند اما بالاخره نتیجه واکنش همین بنگاهداران اقتصادی منجر به بازگشت این ۲۷ نفر به صحنه انتخابات شد که این جمع در انتخابات برنده شدند و نتیجه انتخابات دوره ششم احراز اکثریت نه‌تنها در اتاق تهران بلکه در اتاق ایران بود. عکس‌العمل اعلام نتایج انتخابات، حذف اینجانب که بالاترین رای را نه‌تنها در این دوره بلکه در همه ادواری که انتخابات برگزار شده بود، در فاصله یک روز بعد از اعلام نتایج از لیست حائزین اکثریت بود. این اقدام تایید دولت را نیز به همراه داشت و تا امروز بعد از گذشت سه سال نیز چنین بوده است. بعد از حذف من تحول‌طلبان ناامید نشدند و به تلاش خود برای اصلاح اتاق بازرگانی و شکستن انحصار در مدیریت آن ادامه دادند و برای اتاق تهران که در آن اکثریت نیز داشتند آقای مهندس محمدرضا حیدری را به عنوان کاندیدای ریاست تعیین کردند اما حاصل انتخابات برای هیات‌رئیسه اتاق تهران در ائتلاف آنها و دولت منجر به ریاست کسی شد که همه دوران خدمت او مدیریت بر اموال مصادره شده بخش خصوصی بوده است. در اتاق ایران نیز آقای مهندس مهرعلیزاده با همه ویژگی‌هایش کاندیدای تحول‌طلبان بود، که در نهایت ترجیح دادند به خاطر آقای نهاوندیان، کاندیدای ریاست اتاق نشوند.

-در زمان انتخابات پیش‌بینی این بود که آقای مهرعلیزاده در رقابت با آقای نهاوندیان رای نمی‌آورند، برای همین با یکدیگر ائتلاف کردند؟

توجه کنید آقای نهاوندیان به تنهایی حائز ۳۰ رای هم از ۳۱۳ رای نبود و او اصلاً رقیبی برای آقای مهرعلیزاده نبود اما تحول‌طلبان که اولویت اصلی آنها پایان دادن به دوره خاموشی در اتاق‌های بازرگانی بود، ترجیح دادند درخواست نماینده دولت را بپذیرند و رای خود را به نهاوندیان بدهند تا دوره خاموشی و رخوت در اتاق بازرگانی ورق بخورد.

-فکر می‌کنید در حال حاضر با رفتن آقای خاموشی راه انحصارطلبی در اتاق بازرگانی پایان یافته؟

سمبل انحصارطلبی در اتاق، آقای خاموشی بوده که کنار رفته است اما با نوع مدیریت آقای نهاوندیان تغییر بایسته‌ای در نیروهای زیرمجموعه ایجاد نشد. روند دوران گذشته را چنین می‌توان توضیح داد که آنها تمام اتاق بازرگانی را می‌خواستند که ما آمدیم یک گوشه کوچک آن را که اتاق تهران بود، گرفتیم بعد آنها سه چهار سال انرژی‌شان را جمع کردند و خواستند تحول‌خواهان را بیرون بیندازند اما ما دوباره برگشتیم و این بار برای اینکه تجربه دفعه قبل پیش نیاید خود آقای خاموشی را از اتاق بیرون گذاشتیم.

-شما اتاق را با حذف سنتی‌ها می‌خواستید؟

ببینید ما اصلاً در دور پنجم هم که آمده بودیم حرف‌مان این نبود که اتاق را برای خودمان می‌خواهیم و فقط ما و آقای خاموشی نه! شما دیدید که در انتخابات دور پنجم اتاق بازرگانی به دلایلی من برای ریاست اتاق ایران کاندیدا نشدم با این تصور که با همکاری همه نیروهای فعال از جمله نیروهای وابسته به آقای خاموشی بخش خصوصی ایران بتواند گامی به جلو برود. تصور می‌کردم نیروی من و تجربه ایشان می‌توانست تحول به وجود آورد و همه جناح‌های فکری کشور را در این مورد به مشارکت بطلبد.

-پاسخ آقای خاموشی چه بود؟

طی سال‌هایی که با او کارکردم هیچ‌گاه آقای خاموشی حاضر نبود یک لحظه همکاری کند. چون احساس می‌کرد باید خودش حاکم مطلق‌العنان باشد و هیچ کس و هیچ فکر دیگری نباید در این عرصه وجود داشته باشد. ایشان حتی مشاوره‌های خیرخواهانه را اگر از ناحیه من بود حاضر نمی‌شد گوش کند. بعد از آنکه ما به این نتیجه رسیدیم که با آقای خاموشی نمی‌شود همکاری کرد و حتی به این نتیجه رسیدیم که ایشان به هر طریق (مثل آن استیضاحی که در دوره پنجم و در اتاق تهران به راه انداختند) رقیب را از میدان به در می‌کند آن وقت بود که همه تلاش‌مان را برای تغییر ریاست اتاق انجام دادیم، زیرا وقتی کسی حاضر نیست با شما همکاری کند بلکه سعی می‌کند حتی فرش را از زیر پای شما بکشد طبیعی است که تلاش کنید او در آن جایگاه نباشد. در انتخابات هیات‌رئیسه اتاق ایران در دوره ششم به‌رغم اینکه آقای نهاوندیان همیشه مدیر دولتی بوده و همیشه حقوق‌بگیر دولت بود و هیچ‌گاه عضوی از بخش خصوصی نبود و تجربه بخش خصوصی هم نداشت و در دوران مدیریتش در WTO، وزارت بازرگانی و جهانی‌سازی و... از او چیزی ندیدیم، هیچ‌گاه دستاوردی برای اقتصاد و تجارت ایران نداشت.

پیشنهاد معاون وزیر بازرگانی را پذیرفتم و حتی بدون اینکه با او مذاکره‌ای داشته باشیم همه رای تحول‌طلبان را به او دادیم.

-اگر اعتقادی به آقای نهاوندیان نداشتید پس چرا...

او تنها زیبا سخن می‌گوید اما اصلاً نمی‌تواند خوب عمل کند، ولی دست‌کم تصورمان این بود که آقای نهاوندیان با باز کردن فضا سبب حضور سایر نیروهای فعال بخش خصوصی در هیات نمایندگان، در بدنه اتاق‌ها و در اتاق‌های مشترک خواهد شد و به استقلال اتاق‌های شهرستان‌ها جامه عمل می‌پوشاند و کنفدراسیون اتاق‌های سراسر کشور می‌شود. چتر حمایتی اتاق را بر سر همه تشکل‌های اقتصادی سراسر کشور خواهد گرفت و شرایط گذشته در اتاق جای خود را به شایسته‌سالاری خواهد داد. ولی متاسفانه این اتفاق نیفتاده است.

-برخی معتقدند آقای نهاوندیان تا حدودی توانسته فضا را باز کند مثلاً به مجلس برود یا مذاکرات بیشتری اتفاق بیفتد.

اصلاً این‌طور نیست. من در دوره پنجم شاهد حضور گاه و بیگاه آقای خاموشی در مجلس و کمیسیون اقتصاد بودم. شاید حضور ایشان برای دفع اثرات حضور من بود ولی به هر حال ایشان می‌آمد. در این دوره حتی یک بار آقای نهاوندیان را در مجلس یا کمیسیون اقتصادی آن ندیدم. در همه ادوار، اتاق یک معاون پارلمانی در مجلس داشته است. خوب است شما به عنوان یک روزنامه‌نگار حالا از نمایندگان مجلس سوال کنید و بپرسید معاون پارلمانی بخش خصوصی در مجلس کیست؟ مطمئن باشید آنقدر غیر فعال است که کسی او را نمی‌شناسد، یعنی نه‌تنها خود آقای نهاوندیان حضور ندارد بلکه معاونت پارلمانی او هم حضور ندارد. من از شما یک سوال دارم. آیا آقای نهاوندیان به عنوان رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران که ظاهراً باید مدافع بخش خصوصی و اتاق‌های شهرستانی باشد حتی به اندازه وزیر بازرگانی که نماینده دولت است در اتاق‌های شهرستان‌ها حضور پیدا کرده است؟

-حالا نقد عملکرد آقای نهاوندیان بماند. می‌خواستم برگردیم به آن زمان؛ نشستی که فکر می‌کنم حوالی همین ساختمان اتاق، با آقای شجاع‌الدین بازرگانی ،معاون وزیر بازرگانی بر سر بحث انتخابات انجام شد. آیا ممکن است در مورد آن نشست صحبت کنید؟

بله، در روز انتخابات اتاق ایران ما سالن آمفی‌تئاتر خانه هنرمندان را اجاره کرده بودیم که با دعوت از اعضای هیات نمایندگان اتاق‌های سراسر کشور و همفکری با آنها ترکیب هیات‌رئیسه اتاق ایران را تعیین و پیشنهاد به جلسه عصر بکنیم که رای‌گیری شود و همان طور که می‌دانید پیشنهاد ما آقای مهندس مهرعلیزاده بود. در اواسط جلسه آقای دکتر شجاع‌الدین بازرگانی که معاون وقت وزیر بازرگانی بود آمد و با انتخاب آقای مهرعلیزاده مخالفت کرد و تاکید می‌کرد: «اگر ایستادگی کنید ما با رای نمایندگانی که در هیات نمایندگان اتاق ایران داریم و با اهرم ارتباطی که از طریق مدیران کل بازرگانی در استان‌ها با اتاق‌های شهرستان‌ها دارم در مقابل انتخاب کاندیدای شما در هیات‌رئیسه می‌ایستم.» و به تجربه انتخابات همین دوره اتاق تهران اشاره می‌کرد.

بدیهی است در این شرایط آقای خاموشی رای می‌آورد و تحول‌طلبان هم بر اساس آنچه در سوالات قبل پاسخ دادم در استراتژی پلکانی خود خروج خاموشی در این مرحله را یک اصل تغییرناپذیر می‌دانستند لذا به رغم همه تصویری که از نهاوندیان داشتند با پیشنهادی که از سوی دولت در این مورد شده بود موافقت کردند و رای خود را به او دادند.

-چه شد که آقای بازرگانی وارد شد و چرا؟

خیلی روشن است. تا آنجایی که من اطلاع دارم در ادوار قبل هم دولت‌ها سعی کرده‌اند به هر روشی که شده به خانه بخش خصوصی نفوذ پیدا کنند.

بعد از انقلاب هم که همه جا تجلی حضور و رای مردم بود و امام(ره) تلاش می‌کردند هر چه سریع‌تر بنیان‌های کشور و انقلاب با رای مردم شکل بگیرد. سنتی‌ها با تهیه نامه‌ای و اخذ موافقت شهید آیت‌الله بهشتی خود را برای یک دوره ۱۰ ساله به اتاق بازرگانی تحمیل کردند و هیچ انتخاباتی برگزار نکردند و جالب این بود که همیشه خود را منتخب حضرت امام می‌نامیدند؛ امامی که در کمتر از یک سال همه نهادهای جمهوری اسلامی را با رای مردم بنیان نهادند. در دوره پنجم اتاق‌های بازرگانی هم چنین شد که...

-در آن زمان هم نگذاشتند کاندیدا شوید؟

من در خرداد ماه ۸۲ انتخابات اتاق تهران را بردم و ریاست اتاق تهران را بر عهده گرفتم و مورد لطف و اقبال هیات نمایندگان اتاق‌های شهرستان و تهران بودم. آقای خاموشی هر چه توانست انتخابات اتاق ایران را به تعویق انداخت و با پنج ماه تاخیر در ۲۸ مرداد ۸۲ آن را برگزار کرد. اما قبل از آن معاون وقت وزیر بازرگانی از طرف وزیر بازرگانی وقت و سایرین و... خواستند که من کاندیدا نشوم.

-چرا؟

حالا من وارد آن مقوله نمی‌شوم. ما هر بده بستانی را که پشت ماجرا بود، کنار می‌گذاریم به هر حال می‌خواهم بگویم که حتی با خواندن تاریخ اتاق بازرگانی چه قبل از انقلاب و چه پس از آن متوجه می‌شوید دولت‌های وقت همواره در امور خانه بخش خصوصی دخالت می‌کردند لذا می‌توان گفت این یک روال عادی شده است. البته حضور نمایندگان دولت در اتاق بازرگانی را باید تعدیل کرد. در حال حاضر هم دولت نهم و در ادامه‌اش دولت دهم در همه جا تلاش می‌کند NGOها را تحت کنترل خودش بگیرد. اتاق بازرگانی هم که سمبل همه NGOهاست، طبیعتاً این مساله را در مقابل خود داشته و نتیجه...

-در دولت نهم پیش آمد که چنین موضع‌گیری‌هایی را مستقیماً به خود شما بگویند؟

آنچه من در پاسخ سوالات قبلی گفتم و حتی آنچه شما سوال کردید به طور روشن حضور آقای شجاع‌الدین بازرگانی را که نماینده دولت بود در انتخابات اتاق تهران و ایران نشان می‌دهد.

نهایتاً همین آقای بازرگانی اصلی‌ترین عامل در جلب همکاری تحول‌طلبان برای پایان دوره خاموشی در اتاق‌های بازرگانی در خرداد ۸۶ نیز شد.

-موضوع کارت بازرگانی شما به کجا رسید؟ آیا شما پیگیری کردید و آنها از احیای کارت بازرگانی شما سر باز زدند؟

به طور مشخص از سال ۱۳۸۴ تا امروز کارت بازرگانی من به وسیله روسای اتاق ایران و تهران لغو یا باطل شده است و دولت هم که وظیفه نظارت دارد و باید ابطال را او تایید کند، عملاً با سکوت خود این اقدام را تایید کرده و هیچ مرجعی هم در کشور به این موضوع رسیدگی نکرده است. حتی قوه قضائیه هم سر باز زده است و این نقض روشن اصل ۴۷ قانون اساسی است که تصریح می‌کند: نمی‌توان کسی را از شغلش منع کرد، اما متاسفانه برخلاف قانون این تخلف را انجام داده‌اند. در تمام این سه سال گذشته هم اعضای محترم هیات نمایندگان اتاق ایران، بارها و بارها در جلسات هیات نمایندگان اتاق موضوع احیای کارت من را پیگیری کرده‌اند، در حالی که رئیس اتاق ایران و تهران هیچ اقدامی در این مورد نکرده‌اند. وزیر بازرگانی هم به‌رغم ارجاع موضوع از سوی دادگاه و دیوان عالی کشور به ایشان حاضر به طرح مساله در شورای عالی نظارت بر اتاق نشده است.

-آقای آل‌اسحاق کار شما را پیگیری نکرده‌اند؟

نخیر، باید بگویم مجموعه‌ای که ایجادشده برای دفاع از حقوق بخش خصوصی خودش عامل ضایع کردن حق کسی شده است که رای اول بخش خصوصی این کشور را داشته و مورد اقبال بخش خصوصی بوده است.

-اینکه کارت بازرگانی شما را باطل کرده‌اند و معتقد هم هستید پیگیری نشده است، آیا دلیل این موضوع مستقیماً به شما اعلام شده یا نه؟

اینها کمیته انضباطی در سال ۸۵ تشکیل داده‌اند که به جرائمی چون مصاحبه کردن علیه رئیس اتاق ایران رسیدگی می‌کند. در دوره ریاستم در اتاق تهران کارتم را باطل کرده‌اند. مصاحبه کردن علیه سیاست‌های رئیس اتاق ایران هیچ وقت خلاف و تخلفی نبوده و نیست، اگر هم باشد رسیدگی به آن در شأن دادگاه است نه اینها، اما آنها متاسفانه به آن دلیل کارت من را باطل کرده‌اند. البته مطابق قانون این ابطال باید به تایید وزارت بازرگانی برسد، در حالی که وزارت بازرگانی هیچ وقت این کار را تایید نکرده است. البته سکوت کرده ولی به هر حال این موضوع هم مثل همان استیضاح چیزی است معلق در آسمان. با یک پروسه غیرقانونی من را از مدیریت اتاق بازرگانی و در نهایت حتی از عضویت ساده اتاق بازرگانی حذف کرده‌اند، چرا؟ چون اگر الگوی مدیریت من یا حضور من در اتاق بازرگانی ادامه پیدا می‌کرد جایی برای مدیریت امثال آقای نهاوندیان و خاموشی باقی نمی‌گذاشت.

-چرا به مدیریت آقای نهاوندیان اشکال می‌گیرید. شاید شما هم اگر در همین مسند بودید همین کار را می‌کردید؟

چون ما هیچ چیز خاصی از ایشان ندیده‌ایم. ایشان کجا سینه خودش را برای بخش خصوصی سپر کرده؟ شما به همه آنچه در دور پنجم اتاق بازرگانی گذشته و به همه مباحثی که در اتاق بازرگانی طرح شده نگاه کنید و به این دوره ششم هم نگاه کنید، حتماً تصدیق می‌کنید در دوره پنجم، اتاق بازرگانی شأنی پیدا کرده بود و مورد عنایت مردم، مطبوعات و دولت وقت بود و حرف خودش را هم می‌زد، اما در این دوره اتاق بازرگانی انگار وجود ندارد و از گفتن ساده‌ترین کلمات در انتقاد از وضعیت اقتصادی پرهیز می‌کند.

ادامه در صفحه ۷

خلاصه گفت‌وگو

همان طور که می‌دانید پیشنهاد ما آقای مهندس مهرعلیزاده بود. در اواسط جلسه آقای دکتر شجاع‌الدین بازرگانی که معاون وقت وزیر بازرگانی بود آمد و با انتخاب آقای مهرعلیزاده مخالفت کرد و تاکید می‌کرد: «اگر ایستادگی کنید ما با رای نمایندگانی که در هیات نمایندگان اتاق ایران داریم و با اهرم ارتباطی که از طریق مدیران کل بازرگانی در استان‌ها با اتاق‌های شهرستان‌ها دارم در مقابل انتخاب کاندیدای شما در هیات‌رئیسه می‌ایستم.»

-باید بگویم مجموعه‌ای که ایجادشده عامل ضایع کردن حق کسی شده است که رای اول بخش خصوصی این کشور را داشته است.

خبر

نگرانی از تامین مالی خرید نقدی گندم

معاون اداری و مالی شرکت بازرگانی دولتی ایران گفت نگران تامین مالی خرید نقدی گندم هستیم. یونس الستی در پاسخ به برخی انتقادات مطرح‌شده نسبت به خرید گندم از کشاورزان گفت: تا روز گذشته (۲۵ خرداد ۸۹)، مبلغ هشت هزار و ۸۴۹ میلیون ریال بابت خرید دو میلیون و ۵۴۴ هزار و ۷۷۲ تن گندم به کشاورزان پرداخت شده است. معاون اداری و مالی شرکت بازرگانی دولتی ایران افزود: با پیگیری‌های صورت‌گرفته توسط این شرکت، پنج هزار میلیارد ریال از مبلغ ذکرشده از سوی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست‌جمهوری و سه هزار و ۸۵۰ میلیارد ریال از سوی بانک ملت پرداخت شده است. وی تصریح کرد: این میزان خرید گندم نسبت به مدت مشابه سال قبل که دو میلیون و ۳۵۲ هزار تن بوده است، هشت درصد رشد را نشان می‌دهد. الستی گفت: در حال حاضر ۷۰۰ هزار تن گندم خریداری شده از کشاورزان به دلیل عدم تامین منابع، جزء خرید قطعی منظور نشده است که به طور قطع، برای پرداخت به موقع بهای این میزان گندم ذکرشده به ۲۱ هزار میلیارد ریال تامین منابع مالی نیاز داریم. وی اظهار داشت: با توجه به حجم مناسب تولید، در صورت اطاله زمانی تامین منابع، شیرینی تولید پایدار گندم و گذر از مرز خودکفایی و دستیابی به تولید مازاد بر مصرف کشور که نام جمهوری اسلامی ایران را در زمره کشورهای صادرکننده گندم قرار می‌دهد، به کام شاغلان این عرصه تنگ خواهد شد. این مقام مسوول در شرکت بازرگانی دولتی ایران تاکید کرد: انتظار ما از کلیه مراجع تصمیم‌ساز کشور، به ویژه معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست‌جمهوری این است که با توجه به ضرورت تعجیل در تامین منابع مورد نیاز، دستور لازم را در این زمینه صادر کنند. وی اظهار داشت: یکی از تکالیف شرکت مادرتخصصی بازرگانی دولتی ایران این است که نسبت به اجرای امور خرید تضمینی گندم از کشاورزان در اقصی نقاط کشور اقدام کند لذا بر اساس این وظیفه این شرکت از یک سو تامین‌کننده نظر دولت در انجام امور حمایتی و حفظ و خودکفایی تولید و ایجاد اشتغال مولد در بخش کشاورزی است و از سوی دیگر تامین‌کننده نیاز کشور و بسترساز مطمئن توزیع آرد مصرفی کلیه آحاد مردم در سطح وسیع و گسترده است.

مجوز واردات گوشت برای پنج شرکت داخلی صادر شد

رئیس اتحادیه فروشندگان گوشت گوسفندی تهران از صدور مجوز واردات لاشه گوسفندی به پنج شرکت داخلی خبر داد. به گزارش وزارت بازرگانی، «فرهاد باقری‌معین» گفت: برخی محدودیت‌های سازمان دامپزشکی برای واردات لاشه گوسفند به کشور کاهش یافت. وی افزود: هر شرکت می‌تواند بر اساس این مجوز سه هزار تن لاشه گوسفند به کشور وارد کند. باقری معین با اشاره به ایجاد هماهنگی‌های لازم برای عقد قرارداد با سرمایه‌گذار بخش خصوصی در این زمینه به مردم این وعده را داد که طی سه ماه آینده ناهمواری‌های موجود بر سر راه واردات لاشه گوسفند رفع شود. شرکت‌هایی هم که در زمان حاضر مجوز این کار را دریافت کرده‌اند در انتظار هماهنگی‌های لازم برای اعزام پزشک از سوی سازمان دامپزشکی هستند. وی در ادامه از پایان قرنطینه ورود دام زنده به استان تهران خبر داد و گفت: ۱۰ روز است که قرنطینه ورود دام زنده به تهران از سوی سازمان دامپزشکی برداشته شده و در همین مدت ما با کاهش قیمت گوشت گوسفندی در تهران مواجه بودیم.

وزیر بازرگانی: اصناف هنگام اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها هوشیار عمل کنند

وزیر بازرگانی، هوشیاری اصناف هنگام اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها را خواستار شد و گفت: باید مانع از هرگونه ایجاد جو روانی ناسالم و احتکار در این ایام شد. به گزارش ایرنا «مهدی غضنفری» در ادامه سفر استانی هیات دولت در جمع مجامع صنفی شهرکرد با استناد به اظهارات اخیر ریاست‌جمهوری مبنی بر اینکه قانون هدفمند کردن یارانه‌ها از نیمه دوم امسال اجرا می‌شود، گفت: کار اصلی وزارت بازرگانی و اصناف همزمان با اجرای قانون شروع می‌شود. وی با بیان اینکه ذخیره‌سازی چند قلم کالای اساسی اقدامی شایسته و به موقع بوده و هزینه‌ای نیز نداشته است، تصریح کرد: ذخیره‌سازی در سطح استان‌ها شروع شده و باید به طور جدی این موضوع پیگیری شود. وزیر بازرگانی سپس افزایش حامل‌های انرژی را یکی از دلایل افزایش احتمالی برخی قیمت‌ها برشمرد و افزود: به جز این موارد که در زمان مقرر اطلاع‌رسانی می‌شود، بازرسان اصناف باید با هرگونه افزایش قیمت مصنوعی برخورد کنند.

ممنوعیت پهلوگیری کشتی‌های ایران در بنادر اروپا صحت ندارد

رئیس سازمان بنادر و دریانوردی با اعلام اینکه ممنوعیت پهلوگیری کشتی‌های ایرانی در بنادر اروپایی در پی امضای قطعنامه جدید علیه ایران صحت ندارد، گفت: تحریم باعث کاهش میزان حمل و نقل دریایی نمی‌شود، بلکه هزینه‌ها را افزایش می‌دهد. سیدعطاءالله صدر درباره ممنوعیت پهلوگیری کشتی‌های ایرانی در بنادر اروپایی که روز سه‌شنبه به تصویب اتحادیه اروپا رسیده است، اظهار کرد: چنین موضوعی هنوز ابلاغ و اعمال نشده است؛ همچنین این موضوع در قطعنامه تحریم هم عنوان نشده و تنها مواردی که اروپایی‌ها تردید داشته باشند در رابطه با حمل کالاهای ممنوع انرژی هسته‌ای است، در قطعنامه عنوان شده است. وی با بیان اینکه تحریم ایجاد محرومیت است، اظهار کرد: این قطعنامه یک حرکت سیاسی و جو روانی برای ایران است که توسط محافل صهیونیستی ترویج می‌شود. او تصریح کرد: کشتیرانی و حمل و نقل دریایی تابع قوانین و مقررات سازمان بین‌المللی دریانوردی (IMO) است که ایران هم عضو این نهاد بین‌المللی دریایی است و این موضوع با قانون IMO مغایرت دارد و آنها نمی‌توانند ما را از حق کشتیرانی در دنیا محروم کنند؛ چنین چیزی غیرممکن است چراکه ۹